

## درس اول

نوشتن پیش از آن که با نگارش کلمات بر روی صفحه کاغذ آغاز شود در ذهن نویسنده، شکل می گیرد و طبقه بندی و منظم می شود.

فرایند نوشتن شامل این مراحل است: مهندسی نوشتن، طبقه بندی ذهنی و نگارش

هر چقدر فرایند نوشتن کامل تر باشد، نوشته ما نظم و سامان بهتری خواهد یافت.

در مهندسی نوشتن، نقطه آغاز حرکت، ذهن است و خط پایان تهیه پیش نویس نگارش می باشد.

گام اول در تهیه نقشه نوشتن طبقه بندی ذهن می باشد؛ این طبقه بندی در حقیقت ساختمان ذهن و نوشته ما را نشان می دهد.

مراحل و چهارچوب نوشته عبارتند از: موضوع، مقدمه، تنه یا بدنه، نتیجه

نتیجه طبقه بندی ذهنی و تسلط بر مطلب،

نوشتن متنی دقیق و منسجم است.

یکی از راه‌های نظم دادن به ذهن و نوشته، طراحی ساختمان نوشته است.

می‌توان برای مقدمه و نتیجه، یک بند (پاراگراف) و برای بدنه (تنه) نوشته، چند بند در نظر گرفت.

کاربرد «برعلیه» نادرست است زیرا «علیه» به تنهایی به معنای «بر ضد او» می‌باشد و با افزودن «بر»، معنای «بر ضد ضد او» خواهد یافت که نادرست است؛ از اینرو «بر» را در جمله‌هایی که «برعلیه» دارند، حذف می‌کنیم:

برعلیه ← علیه

کاربرد «برله» نیز به دلایل مشابه نادرست است از اینرو «بر» را در جمله‌هایی که «برله» دارند، حذف می‌کنیم: برله ← له

ارزش‌یابی مستمر (فرایندی) انشا و نگارش شامل دو بخش است: مهارت خواندن، مهارت نوشتن.

مهارت خواندن یعنی توانایی خوانش صحیح نوشته با رعایت تکیه، لحن و....

✍️ **مهارت نوشتن** شامل این موارد است: بازشناسی (تشخیص)، آفرینش یا تولید نوشته، داوری (تحلیل)، تصویرسازی یا انشای آزاد، بازنویسی حکایت، گسترش مثل، درست‌نویسی.

✍️ **تغییر در آثار و نوشته‌های ادبی** در سه صورت بازگردانی، بازنویسی و بازآفرینی انجام می‌شود. در بازگردانی اجزای جمله که گاهی در شعر و نثر جابجا می‌شوند، به شکل امروزی مرتب می‌شوند. مثلاً نهاد به آغاز و فعل به پایان جمله منتقل می‌شود.

✍️ **بازنویسی نوشتن دوباره متن** به زبان ساده و امروزی است.

✍️ **بازآفرینی گسترش دادن و افزودن شاخ و برگ** به اصل نوشته می‌باشد.

مثل یا ضرب‌المثل عبارت کوتاهی است

که در بردارنده نکته یا پندی باشد و مفهوم آن از معنی  
ظاهری اش گسترده تر است.

## درس دوم

یکی از مناسب ترین راه ها برای رشد و تقویت  
تفکر و افزودن بر توانایی های ذهن و زبان مطالعه و  
کتاب خوانی است.

نوشتن زاده و فرزند خواندن و خوب خواندن است.  
مقصود از خواندن فقط روخوانی یا روان خوانی  
متن نوشته نیست بلکه خواندن از روی نوشته و درک  
و فهم درون مایه آن است.

فواید مطالعه دقیق کتاب های مناسب: توانایی های  
ذهن ما بیشتر تقویت می شود و کار نویسندگی را برای  
ما آسان تر می کند و حتی مسیر صحیح زندگی را به ما  
نشان می دهد.

هر چیزی که ذهن را به درنگ و تأمل وادارد،  
متن است.

هرگاه بتوانیم جمله‌ها را با فعل‌های کوتاه و ساده‌تر بنویسیم، نباید از شکل‌های ترکیبی و دشوارتر آن‌ها استفاده کنیم از جمله:

برخوردار بود ← داشت

حضور به‌هم رساندند ← حاضر شدند.

به خود اختصاص داد ← گرفت

ارسال کرد ← فرستاد.

به رشته تحریر درآورد ← نوشت

خریداری کردم ← خریدم.

اطلاع حاصل کرد ← شنید یا فهمید.

### درس سوم

اولین و مهم‌ترین درگاه برای رشد و پرورش فکر، چشم‌ها هستند.

قدم نخست و الفبای تقویت فکر و خوب نوشتن خوب دیدن و مشاهده دقیق پدیده‌ها، دقت در دیدار و نگرستن به جزئیات همراه با تفکر است.

هنگام رویارویی با هر چیزی باید به ویژگی‌های ظاهری مثل رنگ، اندازه، شکل، بلندی و کوتاهی توجه کنیم.

پس از خوب دیدن و دقت در جزئیات می‌توان از تخیل هم بهره گرفت.

هر چه قدرت تخیل و تصویر سازی نویسنده باشد خلق تصاویر ذهنی قوی‌تر و دقیق‌تر خواهد بود.

دیدن هم از طریق چشم و هم از راه خیال و ذهن می‌باشد.

نگاه دقیق و توجه به جزئیات نوشته را به نقاشی نزدیک می‌سازد و با خواندن نوشته، مثل این است که تصویر آن را دیده‌ایم.

«را» نشانهٔ مفعول است و باید بلافاصله بعد از آن بیاید و آمدن «را» بعد از فعل جمله نادرست است.

## درس چهارم

ما پدیده‌ها را معمولاً از راه دریچه‌های چشم و گوش شناسایی می‌کنیم پس تصویرهای ذهنی ما حاصل خوب دیدن، خوب گوش دادن و فعالیت دیگر حس‌های ماست.

مشاهده و توجه به جزئیات توانایی ذهن را افزایش می‌دهد و کار آفرینش و نگارش را آسان می‌سازد. یکی دیگر از کارکردهای خوب گوش دادن، تقویت حافظه شنیداری و پربارتر شدن گنجینه ذهنی است.

حافظه شنیداری هنگام نوشتن به نویسنده کمک می‌کند تا صحنه‌ها و رویدادها را با حس و حالی مناسب، بازسازی می‌کند.

در کلمه‌های ترکیبی که بخش دوم آن‌ها با نشانه «آ» شروع شود، علامت مدّ حذف می‌شود و کلمه را پیوسته می‌نویسیم:

پیش + آهنگ ← پیشاهنگ

هم + آیش ← همایش ، هم آورد ← هموارد

### درس پنجم

شیوهٔ سنجش و مقایسهٔ پدیده‌ها نیز یکی از راه‌های کمک به رشد فکر ساده‌سازی مهارت نوشتن می‌باشد.

در سنجش و مقایسه به قضاوت‌ها و شبهات‌های دو موضوع و یا دو پدیده می‌اندیشم و آن فکر را بر اساس دو ویژگی تفاوت و شبهات دسته‌بندی می‌کنیم.

کلمه‌هایی که به نشانهٔ بیان حرکت «ه» ختم می‌شوند، هنگامی که علامت جمع «ان» و یا علامت «ی» را بخواهیم، به آخر آنها اضافه کنیم، به ترتیب به شکل «گان» و «گی» نوشته می‌شوند و نشانهٔ بیان حرکت «ه» حذف می‌شود.

نویسنده + ی ← نویسندگی



شرکت کننده + ان ← شرکت کنندگان

نخبه + ان ← نخبگان

### درس نهم

شیوه دیگر تقویت تفکر و آسان‌سازی کار ذهن، هنگام نوشتن، روش جانشین‌سازی است.

در روش جانشین‌سازی، هنگام نوشتن دربارهٔ موجودات یا اشیاء، خودمان را به جای آن موضوع می‌گذاریم و از زبان خود یا دیگری دربارهٔ آنها بنویسیم.

اگر در نوشتن، خود را به جای اشیاء، گیاهان و یا حیوانات قرار دهیم و از زبان آنها سخن بگوییم و یا رفتارهای انسانی مانند حرف زدن، اندیشیدن و... را به آنها نسبت دهیم، از آرایهٔ تشخیص (جان‌بخشی به اشیاء یا آدم‌نمایی) استفاده کرده‌ایم.

شیوهٔ جان‌بخشی به اشیاء و یا شخصیت‌بخشی باعث خیال‌انگیز شدن نوشته می‌شود.

افزودن «اگر» نیز می‌تواند راه جدیدی در نوشتن باز

کند و فرصت تازه‌ای به فکر و خیال نویسنده بدهد.

کلمه‌هایی را که جمع مکسر هستند، نباید دوباره

جمع بست و به کار بردن واژه‌هایی چون مراسمات،

امورات، لوازمات، خواص‌ها، کتب‌ها، اخلاق‌ها،

سنن‌ها نادرست است.

### درس هفتم

یکی از راه‌های توانمندسازی ذهن و زبان هنگام

نویسندگی، ایجاد فرصت بیشتر برای فکر کردن است.

اندیشیدن دربارهٔ یک چیز، راه‌های فراوانی را در

ذهن نسبت به شناخت بهتر آن پدید می‌آورد.

در نوشتار معیار امروز، هر گاه حرف‌های «ب، ن،

م» بر سر فعل‌هایی قرار بگیرند که با نشانهٔ «ا» آغاز

شده باشند، هنگام نوشتار، حرف «ی» جانشین همزه

می‌شود.

بافکند ← بیفکند ،

باندوزند ← بیندوزند

بافکن ← بیفکن

## درس هشتم

نوشتن در حقیقت مکتوب کردن افکار و گفتار است.

نوشتن در ابتدا در دنیای فکر آغاز می شود و محصول آن ابتدا به شکل گفتار و سپس به صورت نوشتار آشکار می شود.

گاهی در اندیشیدن و فکر کردن، گفتار به صورت خاموش و بی صدا می باشد.

فکر به دو صورت سخن شفاهی و نوشته نشان داده می شود.

در مراحل نخست کسب مهارت نوشتن، بهترین کار این است که بدون توجه به درستی یا نادرستی نوشته، خود آنرا که به زبان می آوریم، بنویسیم.

آزادانه و خلاقانه نوشتن، به مطالعه، تمرین، تکرار و جرئت در نوشتن نیاز دارد.

جرئت در نوشتن این گونه به دست می آید که افکار خودمان نیز رویدادهای دوست داشتنی زندگی خود را بنویسیم.

نباید میان فکر کردن، سخن گفتن و نوشتن فاصله ایجاد شود.

ثبت گفتار و برگرداندن آن به نوشتار معیار تمرین بسیار خوبی برای ایجاد نظم در گفتار و تقویت مهارت نوشتن است.

در تبدیل گفتار به نوشتار به این نکات توجه می کنیم: الف) از کاربرد واژه های گفتاری پرهیز می کنیم؛ ب) کلمات شکسته را به صورت نوشتار معیار و کامل در می آوریم. ج) نظم و ترتیب اجزای جمله های گفتاری را به ساخت زبان معیار تبدیل می کنیم (اجزای جمله را مرتب می کنیم).

مثلاً فعل را به آخر و نهاد را به آغاز جمله منتقل می‌کنیم. (د) از تکرار واژه‌ها که در گفتار رخ می‌دهیم، دوری می‌کنیم (ه) کلمات اضافی و زائد را از متن حذف می‌کنیم.

هر گاه نهاد جمله مشخص باشد، باید نهاد جمله را ذکر کنیم و فعل جمله هم، هماهنگ با نهاد آورده شود.

در جمله‌هایی که نهاد آن‌ها مشخص شد، نیازی به استفاده از فعل مجهول (فعلی که با «بن ماضی + ه + شد» ساخته شده باشد، نیست)

استفاده از «به وسیله» و «توسط» در جمله‌هایی که نهاد آن‌ها مشخص است، درست نیست و باید حذف شوند: شاهنامه به وسیله فردوسی سروده شد ← فردوسی شاهنامه را سرود.

این تمرین توسط دانش آموزان پاسخ داده شد ← دانش آموزان این تمرین را پاسخ دادند.